توکل بر خدا – آثار و پیامدها

توکل مفهوم بسیار ظریف و دقیقی دارد که در عین توجه با عالم اسباب انسان را از غرق شدن در آن، و دل بستن به غیر خدا و آلودگی به شرک بازمی‌دارد.

مرز توکل آن است که بدانی آنچه نعمت و کمال است از ناحیه خدای متعال است که بر بندگان نازل می شود و به اراده حق است و آنچه تو باید انجام دهی زمینه سازی و ایجاد صلاحیت و شایستگی در خود و اعتماد راسخ به قدرت و عنایت او است تا مشمول رحمت الهی قرار بگیری.

به عبارت دیگر نتیجه و سودمندی اعمال به خدا واگذار می شود، زیرا نتایج تنها به دست او است، و انسان تنها با تلاش و کوشش، خود را برای دریافت رحمت الهی و نزولات حق آماده می سازد.

انسان باید با کمال قدرت و قوت از هر گونه وسیله مادی برای پیروز شدن بر مشکلات بهره گیرد و موانع را از سر راه خود بردارد، و با این حال متکی به لطف پروردگار و قدرت بی پایان او باشد و نتیجه و پیروزی را از او بداند نه غیر او.

در حدیثی از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم از جبرئیل سؤال فرمود: «ما التوکل علی الله عز و جل توکل بر خداوند بزرگ چیست؟» عرض کرد: «العلم بان المخلوق لایضر و لاینفع و لایعطی و لایمنع و استعمال الیاس من الخلق؛ حقیقت توکل علم و آگاهی به این است که مخلوق نمی‌تواند زیانی برساند و نه سودی، و نه چیزی ببخشد، و نه از او بازدارد، و(دیگر) به کار بستن یاس از خلق است(یعنی همه چیز را از سوی خدا و به اذن و فرمان او بداند)».

سپس فرمود: «فاذا کان العبد کذلک لم یعمل لاحد سوی الله و لم یرج و لم‌یخف سوی الله، و لم یطمع فی احد سوی الله، فهذا هو التوکل; هنگامی که بنده خدا چنین باشد، جز برای خدا عملی انجام نمی‌دهد و امید و ترسی جز به خدا ندارد، و به هیچ کس جز خدا دل نمی‌بندد، این است حقیقت توکل»!

در حدیث دیگری می‌خوانیم که از امام معصوم پرسیدند: توکل چیست؟ فرمود: «لاتخاف سواه; توکل این است که از غیر خدا نترسی»

از این تعبیرات به خوبی استفاده می‌شود که روح توکل انقطاع الی الله یعنی بریدن از مخلوق و پیوستن به خالق است، و آن کس که دارای این روحیه نباشد به حقیقت توکل نایل نشده است.

در عین حال در روایات اسلامی شدیدا این معنی نفی شده است که مفهوم توکل، ترک استفاده از اسباب و وسایل عادی باشد. در حدیث معروفی می‌خوانیم: مرد عربی در حضور پیامبر(صلی الله علیه و آله) شتر خود را رها کرد و گفت: «توکلت علی الله!» پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: «اعقلها و توکل؛ شتر را پایبند بزن و توکل بر خدا کن»! (با توکل زانوی اشتر ببند).

بی اعتنایی به عالم اسباب نه تنها توکل نیست بلکه به معنی بی اعتنایی به سنت‌های الهی است، و این با روح توکل سازگار نیست.

این سخن را با حدیثی مربوط به عصر حضرت موسی(علیه السلام) پایان می‌دهیم، در حدیث آمده است که حضرت موسی(علیه السلام) بیمار شده بود، بنی اسرائیل به عیادت او رفتند و بیماری او را تشخیص دادند، و به او گفتند اگر از فلان دارو استفاده کنی بهبودی خواهی یافت، موسی(علیه السلام) گفت: من از هیچ دارویی بهره نمی‌گیرم تا خداوند بدون دارو مرا شفا دهد! ولی بیماریش طولانی شد. باز به او گفتند: داروی این بیماری، معروف و مجرب است و ما با آن مداوا می‌کنیم و بهبودی می‌یابیم، باز موسی(علیه السلام) گفت: من از دارو استفاده نمی‌کنم! ولی بیماریش ادامه یافت، سرانجام خداوند به او وحی فرستاد: «و عزتی و جلالی لاابراتک حتی تتداوی بما ذکروه لک; به عزت و جلالم سوگند که بهبودی به تو نمی‌دهم مگر اینکه از دارویی که به تو گفته‌اند استفاده کنی!» موسی(علیه السلام) دستور داد آن دارو را برای او بیاورند و از آن استفاده کرد و بهبودی یافت، در این هنگام در دل موسی(علیه السلام) وسوسه‌ای پیدا شد(شاید وسوسه‌اش این بود که چرا خداوند تنها با توکل مرا رهایی نبخشید) دراین هنگام خداوند به او وحی فرستاد: «اردت ان تبطل حکمتی بتوکلک علی، فمن اودع العقاقیر منافع الاشیاء غیر ؛ تو می‌خواهی با توکل خود حکمت و سنت مرا باطل کنی؟! مگر منافع داروها را کسی جز من در آنها قرار داده است»؟

آثار و پیامدهای توکل

از آنجا که متوکلان کار خود را به خدا واگذار می‌کنند، همان خداوندی که قادر بر همه چیز و آگاه از همه چیز است، خداوندی که همه مشکلات برای او سهل و آسان است، نخستین اثر مثبتی که در آنها به وجود می‌آید مسأله اعتماد به نفس و ایستادگی و مقاومت در برابر مشکلات است.

اگر کسی خود را در میدانی در برابر دشمن تنها ببیند هر قدر نیرومند و قوی باشد به زودی روحیه خود و اعتماد به نفس را از دست می‌دهد، ولی اگر احساس کند لشکر نیرومندی شت‌سر اوست احساس توانایی و قدرت می‌کند، هر چند خودش ضعیف باشد.

در احادیث اسلامی نیز به این معنی اشاره شده است، در حدیث حرز مانندی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می‌خوانیم: «کیف اخاف و انت املی و کیف اضام و انت متکلی چگونه بترسم در حالی که تو امید منی، و چگونه مقهور شوم در حالی که تو تکیه‌گاه من می‌باشی»!

در حدیث دیگری از امام باقر(علیه السلام) آمده است: «من توکل علی الله لایغلب، و من اعتصم بالله لایهزم ؛ کسی که بر خدا توکل کند مغلوب نمی‌شود، و کسی که به دامن لطفش چنگ زند شکست نمی‌خورد»!۶

آری کسی که بر خدا توکل نماید احساس غنا و بی نیازی و عزت می‌کند همان‌گونه که در احادیث گذشته از امام صادق(علیه السلام) خواندیم: «ان الغنی و العز یجولان فاذا ظفرا بموضع التوکل اوطنا؛ غنا و عزت پیوسته در حرکتند، هنگامی که به محل توکل برسند آنجا را وطن خویش قرار می‌دهند»! ۷

افزون بر اینها توکل، بسیاری از صفات زشت و رذیله را مانند حرص، حسد، دنیاپرستی، بخل و تنگ‌نظری را از انسان دور می‌سازد، چرا که وقتی تکیه‌گاه انسان خداوند قادر علی الاطلاق باشد جایی برای این اوصاف رذیله وجود ندارد.

هنگامی که انسان آیه شریفه و من یتوکل علی الله فهو حسبه ۸ را زمزمه می‌کند، خود را سرشار از موفقیت و بی نیازی و امکانات می‌بیند، و همان گونه که در بعضی از ادعیه آمده است: «اللهم اغننی بالیقین و اکفنی بالتوکل علیک؛ خداوندا! مرا با یقین(به ذات پاکت) بی نیاز کن، و با توکل بر خودت همه چیز مرا کفایت فرما»

از سوی چهارم توکل بر خداوند تو را امید بر دل می‌پاشد و به خاطر آن توان و استعداد انسان شکوفا می‌گردد، خستگی راه بر او چیره نمی‌شود، و در همه حال احساس آرامش می‌کند، لذا امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در سخن کوتاه و پرمعنایی می‌فرماید: «لیس لمتوکل عناء ؛ کسی که توکل بر خدا دارد رنج و خستگی ندارد»!

از سوی پنجم توکل بر خدا، هوش و قدرت تفکر را می‌افزاید و روشن‌بینی خاصی به انسان می‌دهد، زیرا قطع نظر از برکات معنوی این فضیلت اخلاقی، توکل، سبب می‌شود که انسان در برابر مشکلات دستپاچه و وحشت‌زده نشود و قدرت بر تصمیم‌گیری را حفظ کند و نزدیک‌ترین راه درمان و حل مشکل را بیابد.

از این رو در حدیثی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می‌خوانیم: «من توکل علی الله اضائت له الشبهات و کفی المؤونات و امن التبعات؛ کسی که بر خدا توکل کند تاریکی شبهات برای او روشن می‌شود، و اسباب پیروزی او فراهم می‌گردد و از مشکلات رهایی می‌یابد»!

نتیجه گیری:

مستفاد از احادیث و تعاریفی که برای توکل ارائه شد این است که توکل یک صفت درونی و اعتقاد قلبی است و عمل نیز نباید ترک شود. و شخص متوکل و غیر متوکل از لحاظ عمل یکی هستند، الا اینکه شخص متوکل اعمال و کارها را با روحیه بالا و اعتماد به نفس بالایی انجام می دهد.

پی نوشت ها :

۱- بحارالانوار، جلد ۶۸، صفحه ۱۳۸، حدیث۲۳.

۲- بحارالانوار، جلد ۶۸، صفحه۱۴۳، حدیث ۴۲.

۳- المحجة البیضاء، جلد۷، صفحه۴۲۶; کنزالعمال، حدیث۵۶۸۷ و۵۶۸۹.

۴- اصول کافی، جلد ۱، صفحه۱۸۳، حدیث۷.

۵- المحجة البیضاء، جلد۷، صفحه ۴۳۲.

۶- بحارالانوار، جلد ۹۱، صفحه۲۲۹.

۷- میزان الحکمة، جلد ۴، صفحه۳۶۵۹، حدیث۲۲۵۴۷.

۸- بحارالانوار، جلد ۶۸، صفحه۱۲۶.

۹- طلاق،۳.

۱۰- بحارالانوار، جلد۸۷، صفحه ۱۴.

۱۱- شرح غررالحکم، جلد ۵، صفحه ۷۲، حدیث ۷۴۵۱.